

Original Article

Cancer Treatment Methodology in Islamic Medical Texts (3rd to 6th Century AH)

Ebrahim Mohammadzadeh Mazinan^{*1}, Ali Reza Rouhi²

1. Graduate Student of Islamic History and Civilization, Department of History, Islamic Culture and Civilization, Razavi Islamic University of Mashhad, Iran. (Corresponding Author) Email: ebrahimmazinani99@gmail.com

2. Associate Professor of History, Culture and Civilization of Islamic Nations, Razavi Islamic University of Mashhad, Iran.

Received: 3 Feb 2019 Accepted: 9 May 2019

Abstract

Background and Aim: Muslim doctors have studied a lot about patients' knowledge and ways of treating them and presented new and new ways to Islamic civilization. Cancer is one of the most important illnesses that Muslim doctors have studied in a specialized way and presented a variety of ways to treat it. These doctors have also described cancer types.

Materials and Methods: Using a review, library and referring to the first sources in Islamic medicine, methods for treating cancer were extracted and evaluated.

Findings: The most important ways of treating the condition presented by Muslim physicians are: 1. Congestion (drug suppository); 2. Vomiting (emptying of the body of toxins); 3. Avoid spreading and keeping Diseases of the same size; 4. Types of surgery including: Perfection (complete splitting of the main vessels to remove a certain amount of blood from the depths of the body to drain the toxins); 5. Cutting and killing (hotting). In this paper, various methods for treating cancer are investigated by research and examination in Islamic medicine.

Conclusion: Muslim doctors had made some progress in identifying and treating cancer. Therapeutic procedures were applied in accordance with the conditions of the patient by Muslim doctors.

Keywords: Cancer; Medical Effects; Treatment; Surgery; Congestion; Vomiting

Please cite this article as: Mohammadzadeh Mazinan E, Rouhi AR. Cancer Treatment Methodology in Islamic Medical Texts (3rd to 6th Century AH). *Med Hist J* 2019; 11(39): 31-43.

روش‌شناسی معالجه بیماری سرطان در متون پزشکی ایرانی – اسلامی (قرن ۳ تا ۶ قمری)

ابراهیم محمدزاده مزینان^{۱*}، علی‌رضا روحی^۲

۱. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: ebrahimmazinani99@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: پزشکان مسلمان در باب شناخت بیماری‌های مختلف و راه‌های درمان آن‌ها بررسی‌های بسیاری نموده و شیوه‌های جدید و نوینی را به تمدن اسلامی ارائه نمودند. سرطان از مهم‌ترین بیماری‌هایی است که پزشکان مسلمان به صورت تخصصی به بررسی آن پرداخته و راه‌های مختلفی را در باب مداوا و تبیین انواع آن مطرح کرده‌اند.

مواد و روش‌ها: با استفاده از روش مروری، کتابخانه‌ای و رجوع به منابع دسته اول در زمینه پزشکی اسلام روش‌های مداوای سرطان استخراج و مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: مهم‌ترین راه‌های درمان این بیماری که توسط پزشکان مسلمان عرضه شده عبارت است از: ۱- احتقان (شیاف دارو)؛ ۲- استفراغ‌دادن (خالی کردن بدن از سموم)؛ ۳- جلوگیری از گسترش و نگهداشتن بیماری در همان اندازه؛ ۴- انواع جراحی شامل: فصدکردن (شکافتن کامل عروق اصلی برای خارج کردن مقدار معینی از خون غلیظ از اعماق بدن جهت تخلیه سموم)؛ ۵- بریدن و کی (داغ کردن). در این مقاله به بررسی روش‌های مختلف در درمان بیماری سرطان با تحقیق و بررسی در آثار پزشکی اسلامی پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری: پزشکان مسلمان در شناخت و مداوای بیماری سرطان به پیشرفت‌های خاصی دست یافته بودند. شیوه‌های درمانی متناسب با شرایط بیمار توسط پزشکان مسلمان اعمال می‌شد.

واژگان کلیدی: سرطان؛ آثار پزشکی؛ مداوا؛ جراحی؛ احتقان؛ استفراغ؛ کی

مقدمه

۱- جایگاه بیماری سرطان در آثار کهن پزشکی اسلامی

پزشکان مسلمان در آثار و نگارش‌های فراوان خود بیماری‌های مختلفی را مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از مهم‌ترین این بیماری‌ها سرطان است. سرطان در آثار پزشکی اسلامی، به عنوان بیماری معرفی شده است، ولی با عبارات مختلفی از آن یاد شده است. در این مقاله به روش‌های معالجه سرطان در طب سنتی ایرانی - اسلامی پرداخته شده و تلاش شده تا تمام مطالب در این حوزه را از نظرات پزشکان مسلمان در باب تشخیص و درمان و داروهای مفید برای درمان بیماری سرطان استخراج شود.

در بررسی آثار پزشکی تمدن اسلامی، واژه سرطان هم بر بیماری و هم نام حیوان و حتی بر نام دارویی اطلاق می‌شود، چنانکه چنگار بر وزن زنگار، خرچنگ را گویند و به عربی سرطان خوانند. همچنین سرطان مأخوذ از تازی - خرچنگ و نام برج چهارم از دوازده برج فلکی که کاخ ماه و کشف و کشو نیز گویند. نیز دارویی به همین نام وجود دارد. این بیماری در آثار کهن پزشکی، گاه آماس و ورم، گاه خلط سودایی و گاه معادل جذام دانسته شده است. برخی از دانشمندان ماهیت سرطان را ورم و آماس دانسته و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «سرطان‌آماسی است صُلب و سودائی و علتی معروفست بر همه اندام‌ها افتد» (۱). یکی دیگر از تعاریفی که برای سرطان در کتب طبّی آمده، معرفی این بیماری به عنوان یک خلط سودایی است در برخی از تعاریفی که برای سرطان در آثار پزشکی دیده می‌شود، نامی از جذام برده شده و گفته‌اند: «سرطان، جذام یک عضو است» (۲). در هر صورت مقصود ما از سرطان یک نام کلی برای دسته بزرگی از بیماری‌هاست. نقش دانشمندان و طبیبان اسلامی همچون زکریای رازی، ابن سینا، زهراوی، ثابت به قره، حنین بن اسحاق و... در شناخت و درمان این بیماری بسیار چشم‌گیر است و با ترجمه متون غیر اسلامی یا با کشف دارو و درمان و نیز با ثبت یافته‌های خود یا دیگران در آثارشان، جایگاه خاصی در شناساندن و درمان سرطان در تمدن اسلامی باز کرده‌اند.

مهم‌ترین اهمیت این پژوهش در این است که با بررسی آثار کهن پزشکی متوجه میزان شناخت پزشکان کهن در تمدن اسلامی از بیماری سرطان و شیوه‌های درمانی آنان در خصوص این بیماری می‌شویم. برجسته‌ترین محدودیت‌های تحقیق عبارتند از: عدم دسترسی کامل به نسخه‌های خطی در این موضوع، که تعداد زیادی از آن‌ها در کتابخانه‌های اروپا به ویژه آلمان نگهداری می‌شود. همچنین برخی پیچیدگی‌هایی که در فهم و شناخت اصطلاحات پزشکی کهن وجود دارد. با توجه به این‌که علم پزشکی در گستره تمدن اسلامی از جایگاه والایی برخوردار بوده است و پزشکان مسلمان به بیماری‌های مختلف بذل عنایت داشته‌اند و نظر به اهمیت بیماری سرطان، مهم‌ترین فرضیه‌ای که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، این است که پزشکان مسلمان در خصوص شناخت و مداوای بیماری سرطان، روش‌های مختلفی را تجربه کرده‌اند. در همین خصوص پرسش‌هایی که درصدد پاسخگویی به آن هستیم، این است که پزشکان مسلمان چه شیوه‌ها و روش‌هایی را برای مداوای بیماری سرطان استفاده نموده؟ هر روشی چه مزایا و معایبی داشته؟ میزان تأثیرگذاری در مداوای بیماران تا چه اندازه بوده است؟

مواد و روش‌ها

این مقاله به روش کتابخانه‌ای و مرور متون کهن پزشکی ایرانی - اسلامی انجام گرفته است. در این مطالعه با رویکردی هدفمند، مطالب مربوط به روش‌های مداوای سرطان از منابع اصیل و کهن طب سنتی اسلامی استفاده شده است. منابع از سده‌های متأخر هستند و در برخی موارد برای شرح اصطلاحات یا توضیح بیشتر از متون متقدم استفاده شده است. بر این اساس برخی از مهم‌ترین کتب مورد استفاده عبارت‌اند از: «القانون فی الطب»، «الجراحه»، «الحاوی فی الطب»، «الاغراض الطبیّه»، «ذخیره خوارزمشاهی»، «المنصوری فی الطب»، «المغنی فی الطب»، «کتاب الماء»، «هدایه المتعلمین»، «فردوس الحکمه» و... .

هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی منابع متعدد پزشکی ایرانی - اسلامی و جستجو در میان فصول و مطالب

سرطان پستان و سینه، سرطان حلق، سرطان چشم، سرطان رحم، سرطان پوست و... که همه این موارد در لابلاي آثار کهن پزشکی آمده است.

۲- نظریه عدم علاج سرطان

در میان دانشمندان مسلمان، برخی بر این نظریه بوده‌اند که سرطان علاجي ندارد و امیدی به خوب شدن آن نیست. پزشکانی همچون ثابت بن قره، رازی و زهراوی از دانشمندان پراوازه‌ای هستند که در مواردی به این نظریه معتقد شدند. رازی بر این باور است که سرطان قابل برطرف شدن نیست (۴). او همچنین در باب سرطان رحم به این مسأله اشاره کرده است که سرطان رحم قابلیت برطرف شدن را ندارند، ولی می‌توان برای تسکین و کاهش درد از داروها و مرهم‌ها و حتی کرم‌هایی استفاده نمود (۴).

حقیقت آنست که در دیدگاه این طبیبان هر نوع مرضی اگر بخواهد درمان پذیرد، باید دارو آن قوی‌تر از خود آن بیماری باشد، در غیر این صورت مداوا نخواهد شد. به همین خاطر است که معتقدند سرطان درمان‌شدنی نیست، چراکه سرطان چنان بیماری سختی است که داروی قوی‌تر از آن پیدا نشده است (۵). این دیدگاه خود توانسته است مبنایی علمی در راستای مداوای سرطان قرارگیرد. مبنایی که به نظر می‌رسد برخواسته از تجربیات و مطالعات فراوان آن‌ها در طب اسلامی باشد و این قضیه را ثابت می‌کند که اطلاق کلام این پزشکان در عدم معالجه سرطان، شامل همه انواع آن نیست، بلکه فقط سرطان‌های بدخیم را شامل می‌شود، چراکه همین دانشمندان راه‌هایی برای مداوای انواع سرطان در لابلاي کتب خود ذکر کرده‌اند که بدان اشاره خواهد شد.

باید متذکر شد که این پزشکان تمدن اسلامی اگر سرطان بدخیم را قابل مداوا نمی‌دانند و حتی درمان سرطان ولو خوش‌خیم را مشکل ارزیابی می‌کنند، اما هیچ گاه راضی به رهاکردن بیماری سرطان به حال خود نبوده، برای تسکین درد آن و این‌که این بیماری تسری نیابد توصیه کرده‌اند تا در همان ابتدای امر به مداوا بپردازند (۶-۹). به همین خاطر رازی چند نوع دارو را برای آرام کردن بیمار از درد تجویز کرده است، از جمله شیافی که از زعفران، نشا و افیون گرفته شده و بیمار

کتب طبی است که در باب سرطان بحث کرده‌اند. همچنین تلاش شده است تا پژوهشی جدید در طب سنتی که روش‌های درمان سرطان و نظریه‌های مختلف دانشمندان مسلمان در این باب را موشکافانه بررسی نماید. دلیل اصلی این‌که قرن ۳ تا ۶ قمری مبنای پژوهش قرار گرفته این بوده است که در این قرون، تمدن اسلامی دوره نضج و شکل‌گیری را شروع نموده و به دوره طلایی رسید. از سویی برجسته‌ترین پزشکان در گستره تمدن اسلامی در این طی قرون ظهور کرده‌اند. از قرن ۳ قمری که تألیف نخستین آثار مهم پزشکی شروع شد، تا قرن ۶ قمری که کتاب ذخیره خوارزمشاهی توسط سیداسماعیل جرجانی (در گذشته به سال ۵۳۱ ق.) تألیف گردید، شاهد تدوین آثار فاخری در عرصه پزشکی هستیم.

۱- انواع سرطان

برای وضوح مطلب باید بدانیم که آیا در منابع کهن پزشکی از سرطان بدخیم یا خوش‌خیم سخن به میان آمده است یا نه؟ و از طرفی توضیح خوش‌خیم یا بدخیم بودن سرطان در خلال این بحث لازم و ضروری می‌نماید. باید توجه داشت که در پزشکان سده‌های مورد نظر، پی به این برده‌اند که سرطان به خوش‌خیم و بدخیم تقسیم می‌گردد، اما برای نشان‌دادن این تقسیم از واژه متقرح و غیر متقرح استفاده کرده‌اند. متقرح، یعنی ریش‌شده (۳) که این به معنای وخیم شدن سرطان است و برای آن روش‌های درمانی بالاتری نسبت به سرطان غیر متقرح به کار برده‌اند. بنابراین باید در بررسی منابع طبی به این نکته توجه ویژه‌ای داشت که اگر شیوه‌های درمان به طور متفاوت بیان شده و در جایی راه درمان به آسانی ارائه شده و در برخی با شدت و حساسیت از آن یاد شده است، به خاطر تغییر وضع سرطان از خوش‌خیم به بدخیم بودن آن است، چنانکه در این نوشتار از آن نام برده خواهد شد. در برخی موارد هم از واژه‌های «سرطان ظاهری» و «سرطان باطنی» برای نشان‌دادن نوع سرطان استفاده شده که از آن به «سرطان داخلی و خارجی» یاد شده است. این نوع از سرطان با توجه به ماده آن است، اما سرطان از حیث ابتلای اعضا به این بیماری به انواع دیگری نیز تقسیم می‌شود، همچون سرطان خون، سرطان معده، سرطان مری و ریه،

باشد، گرم‌تر باشد و زودتر ریش گردد» (۱) و پس از آن جلوگیری و تسکین بیماری را برای وهله اول به عنوان روش درمان بیان می‌کنند. اسماعیل جرجانی بارها به این مسأله اشاره کرده است. «تدبیر صواب در علاج این علت آن است که جهد کنند تا آنچه [با] درد است ساکن شود و آنچه بی‌درد است هم بر آن بایستند نخست تن را پاک باید کرد و خلط سودا کم‌کردن و به علاچی که اندر مالیخولیا یاد کرده آمده است مشغول‌شدن و شیر تازه‌خوردن در این علت سود دارد» (۱-۲).

این گروه پزشکان تأکید دارند که تدبیر درست در علاج سرطان جلوگیری سریع از آن است تا در ابتدا به همان اندازه و مقدار باقی بماند تا سر باز نکند. در واقع اگر بعد از تشخیص سرطان فوراً با جلوگیری روند علاج صورت گیرد، درصد بهبودی سرطان بسیار خواهد بود، چه بسا که سرطانی تشخیص داده شده، اما چون این نحوه علاج، یعنی جلوگیری صورت نگرفته، این بیماری روز به روز پیشرفت نموده و بدتر می‌گردد و داروها و علاج‌های پس از آن بی‌ثمر خواهد بود.

جلوگیری از گسترش نیز روش خاص خود را می‌طلبد. گاهی برای این کار و بدترشدن سرطان باید دارو استفاده کرد و گاهی دارو خودش عامل رشد سرطان است. گاهی روش جلوگیری با جراحی و در مواردی با برنامه غذایی انجام می‌شود. همه این‌ها به تشخیص درست و مهارت پزشک بستگی دارد. بنابراین دو راه کلی برای جلوگیری در تمدن اسلامی بیان شده است: یکی آنکه بعد از تشخیص سرطان نباید اقدامی که به تحریک‌پذیری آن منجر شود، انجام داد؛ سرطان با داروهای غیر مناسب تحریک‌پذیر می‌شود و تحریک‌پذیری سرطان منجر به گسترش و بدترشدن این بیماری می‌گردد.

۳-۲- برنامه غذایی مناسب: همانطور که تغذیه نامناسب و به کارگیری شیوه‌های نادرست غذایی باعث به وجودآوردن سرطان می‌گردد، شیوه صحیح و به کاربردن روش غذایی سالم و به جا از سرطان جلوگیری می‌کند. نخستین و بهترین روش برای جلوگیری از سرطان، پرهیزهای غذایی است تا بدن از سودای وخیم پاک شود. این توصیف از نحوه

باید آن را با شیر زن تنقیه کند (۴)، این شیوه برای سرطان رحم بسیار کارساز است. بنابراین باید توجه داشت که منظور از عدم مداوای سرطان که درکتاب طبی تمدن اسلامی از آن سخن به میان آمده، تنها سرطان بدخیم است.

۳- روش‌های مداوای سرطان

مداوای سرطان توسط پزشکان تمدن اسلامی مرحله به مرحله انجام گرفته است. در واقع با تشخیص سرطان و معین نمودن نوع آن، پزشک سعی می‌کند تا ابتدا از بدترشدن بیماری و روند رو به رشد آن جلوگیری نماید و در وهله بعد به درمان سرطان با روش‌های گوناگون و متناسب با بیماری بپردازد، حتی طبیب در این راستا باید بر احوال بیمار خود اشرافیت کامل داشته باشد، چراکه برخی از بیمارانی که مبتلا به سرطان می‌شوند، تحمل هرگونه مداوا را ندارند. روحیه بیمار در روند درمان توسط پزشک تأثیر به سزایی دارد. با بررسی و مطالعه آثار پزشکی اسلامی شیوه‌ها و روش‌های مختلفی را برای درمان سرطان می‌یابیم که در ادامه به مهم‌ترین این روش‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۳- جلوگیری از گسترش: در آثار پزشکی تمدن

اسلامی به این روش تأکید شده است. ابتدا سرطان را تشخیص داده و نشانه‌های آن را تبیین می‌نمایند. پس از آنکه سرطان در عضوی از بدن نمایان شد، پزشک بهترین، فوری‌ترین و اولین کار ممکن را در برخورد با این بیماری محدودنگه‌داشتن آن می‌داند. او سعی می‌کند تا از گسترش و حتی بدترشدن آن جلوگیری کند. ممانعت از گسترش نخستین راه در پروسه درمان به شمار می‌آید، چراکه اگر از بیماری خطرناکی همچون سرطان جلوگیری نشود، درمان آن با روش‌های دیگر نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر سرطان خوش‌خیم باشد، با جلوگیری و مانع‌شدن از مسیر رو به رشد آن می‌توان به بهبودی آن امیدوار بود و نیز از بدخیم‌شدن آن جلوگیری نمود. بنابراین با این توصیف، جلوگیری از تکثیر سرطان، از نخستین روش‌های مداوا محسوب می‌گردد. چنانکه جرجانی می‌نویسد: «نخست که پدید آید چنده دانه باقلی باشد و لون او تیره باشد و اگر دست بر نهند اندکی به گرمی گراید و بعضی سخت دردناک و خنده باشد و آنچه دردناک‌تر

جلوگیری می‌رساند که سرطان در حالت بدخیمی وجود دارد، چراکه این روش را زمانی تجویز کرده‌اند که موضع سرطان سفت و محکم شده است. در این صورت پرهیز غذایی تنها روش مناسب برای جلوگیری محسوب می‌گردد. استفاده از مواد غذایی همچون کشکاب، روغن بادام، ماهی تازه، مرغ، ماش، اسفناج و کدو بسیار مناسب است و اگر حرارت زیاد داشت دوغ تازه گاو سودمند است (۱).

پزشکان تمدن اسلامی تصریح داشته‌اند که طبیب در برخورد با سرطان‌های خطرناک چاره‌ای جز به کارگیری روش‌هایی همچون غذاهای معتدل و اصلاح برنامه غذایی برای تسکین آلام و کم کردن رنج بیمار ندارد. آن‌ها راه صواب را ایجاد اعتدال در بدن دانسته و این کار نیز جز با خوردن غذاهای معتدل‌کننده میسر نمی‌شود. «غذاهای موافق سرد و تر خورند، چون کشکاب و روغن بادام و ماهی تازه خورد و خایه مرغ نیمه‌برشته و اسفناج و ماش و کدو و مانند آن» (۲). نمونه‌ای از این برنامه غذایی معتدل‌کننده و درست که مورد تجویز قرار گرفته، این است که به طور مثال در سرطان چشم، سفیدی تخم مرغ استفاده کنند (۱۰).

غذاهای موافق با مزاج بیمار استفاده شود، چنانکه سرد مزاج یا تر مزاج غذاهای موافق با طبع خود استفاده نمایند، مانند کشکاب و روغن بادام و ماهی تازه و بیضه مرغ نیم برشته‌شده و اسفناج و ماش و کدو و مانند آن به کار برند تا بدن حالت اعتدال خود را بازابد (۲). برنامه غذایی رابطه محکمی با معتدل کردن سیستم بدن دارد، در غیر این صورت سودمند نخواهد بود. همچنین این غذاها انواع متفاوتی دارند، گاهی نوشیدنی‌اند و گاهی معجونی از چند ماده و غذاهای دیگر. تغذیه مناسب و مورد تجویز پزشک و متناسب مزاج بیمار، باعث خواهد شد تا به بهبودی بیمار کمک شایانی نماید.

۴-۳- استفراغ‌دادن: استفراغ به معنی قی کردن و تهی

نمودن معده از فزونی‌ها و توانایی خود را در کاری بذل کردن - مأخوذ از تازی - قی. در اصطلاح طب تهی کردن بدن از هر فزونی و خلط فاسدی خواه با قی باشد و یا با اسهال و ادرار و عرق و یا به فصد و حجامت (۱۱). یکی از روش‌های مداوای

سرطان که می‌توان آن را در طول روش‌های دیگری که تاکنون از آن‌ها نام بردیم، استفاده نمود، استفراغ‌دادن است، چنانکه برای جلوگیری از سرطان باید بدن را از سموم و مواد سودایی پاک کرد که مهم‌ترین راه‌کار آن، استفراغ بدن است. روشی که باید مداوم آن را به کار برد، چه در همان ابتدای تشخیص سرطان و در مرحله جلوگیری و چه پس از آن و در هنگامی که بدن با تغذیه مناسب در حال درمان است.

اهمیت این روش چنان است که رازی ادعای بزرگی کرده و بیان داشته است که بارها فقط با همین روش و بدون آنکه از وسیله دیگری استفاده کرده باشد، سرطان را از بدن بیمار برطرف نموده است (۴). به نظر می‌رسد استفراغ‌دادن تنها روشی است که همه پزشکان در درمان سرطان بدان تأکید کرده و اتفاق دارند که حتماً باید در ابتدای درمان سرطان از آن استفاده کرد، چراکه باید ابتدا بدن از سموم پاک شود تا پس از آن روند درمان تسهیل گردد، از این رو دیده نشده است که در آثار طبیبی تمدن اسلامی، منعی از این روش شده باشد.

اهمیت مهم استفراغ‌دادن آن است که از جمع شدن مواد سودایی در عروق جلوگیری می‌نماید (۴). اگر این کار با موفقیت انجام شود و سودا دوباره تولید نگردد، این امر به بهبود بیمار کمک فراوانی می‌نماید، در غیر این صورت باید در کنار استفراغ‌دادن، از داروها استفاده کرد. باید دانست که استفراغ‌دادن تجربه کافی می‌خواهد و انجام آن چندان آسان نیست. زمان و همچنین نحوه انجام این روش هم مهم است، چراکه اگر بخواهیم بدن را از خلطی که باعث سرطان شده است، پاک کنیم نباید به یک، دو یا سه مرتبه اکتفا کرد، بلکه باید تداوم داشته باشد (۴) و این به اقتضای حال بیمار و تشخیص پزشک متفاوت است. همچنین استفراغ‌ها را باید به وقت انجام داد (۲) تا هم از گسترش سرطان جلوگیری کرد و هم در روند بهبود آن سودمند باشد.

استفراغ‌دادن بدن هم دارای روش‌هایی است و صرفاً با اسهال محقق نمی‌شود. گاهی با استعمال دارو بدن از سموم استفراغ می‌شود گاهی با ضمد این روش تسهیل می‌گردد و در مواردی با استفاده از مواد غذایی سودا از بدن خارج

می‌گردد. همانطور که گفتیم استفراغ اولین روش درمان محسوب می‌شود. بنابراین در همان ابتدای علاج سرطان، استفراغ با آب پنیر از همه بهتر است و هر چند روزی چهار درم اف تیمون با سکنجبین دادن مفید است (۲، ۱۲). این کار باید به کرات، اما کم‌کم انجام گیرد (۴). برخی پزشکان برای این‌گونه از استفراغ نوبت مشخص کرده‌اند و در هفته ده بار استفراغ را تجویز نموده‌اند (۴). نیز برای بیماری‌های «صعب و عسر چون صرع و وسواس دیوانگی عرق‌النساء و شقیقه و سرطان و جذام و خوره و ریش‌های بد، بهترین استفراغ‌ها اسهال است» (۱)، پس اسهال خود بهترین روش استفراغ‌دادن بدن است، چراکه هر آنچه که بر سر راه دارد، قلع و قمع می‌سازد (۱۳)، اما باید در نظر داشت که استفراغ‌های بسیاری که از طریق اسهال و قی صورت می‌گیرد، چون جگر را گرم می‌سازد، ضرر آن بیش از منفعتش می‌باشد، چراکه با زیاد انجام‌دادن این کار همه احشای بدن ضعیف می‌گردد (۱۳).

اما از دیگر راه‌های استفراغ‌دادن، استفاده از داروهای مسهل‌کننده است. استفاده از دارو برای بیرون‌راندن ماده سرطان از بدن مورد سفارش قرار گرفته است، البته همانطور که از نامش برمی‌آید و در آثار پزشکی تمدن اسلامی آورده شده، دارو باید مسهل و باعث روانی شکم باشد. باید در نظر داشت که در استفاده از این داروها، بدن باید توانایی کشش آن‌ها را داشته باشد و به نوعی قوی باشد تا بدن به سستی نگراید. بنابراین نیاز به داروهایی است که نیروی بدن را معتدل کند، در غیر این صورت بدن ضعیف توانایی تحلیل دارو را ندارد (۴). نیز این داروها نباید سوزان و گرم باشد تا باعث تنفر گردد، بلکه باید نتیجه آن به نرمی شکم منجر شود، حتی استفاده از داروهای قوی زمانی مورد تجویز قرار گرفته که بدن مرطوب و نرم باشد تا بتواند تأثیر خود را بگذارد (۴). استعمال صحیح این داروها سبب اسهال و در نهایت استفراغ بدن از سودا می‌گردد و در بهبود سرطان تأثیر ویژه‌ای دارد.

نکته‌ای که بعد از استفراغ‌دادن بدن از سرطان نباید غفلت کرد تا استفراغ فایده داشته باشد، گذاشتن مرهم یا ضماد بر جایی است که استفراغ شده است. رازی در این خصوص می‌نویسد: «السرطان أسهله مرات ثم ضع علیه زنجارا قد أحرق

حتى احمر وضع فوقه خرقة باردة و اربطه؛ سرطان را با اسهال استفراغ بده، سپس بر آن مقداری از مس قرار بده تا بسوزاند و با پارچه تمیزی روی آن را بپوشان» (۴). رازی در این خصوص تجارب ارزنده‌ای داشته و ظاهراً بارها برای درمان سرطان از استفراغ دارو استفاده کرده است. او می‌گوید: «من بدن زنی را که سرطان بر آن عارض شده بود را در بهار هر سال استفراغ می‌دادم و با استفاده از داروی قوی که سودا را از بین می‌برد، آن سرطان را از بین بردم. مادامی که آن زن از استفراغ‌دادن بدن خود غافل می‌شد، درد بر او عارض می‌گشت» (۴).

همچنین برای استفراغ‌دادن و تسهیل در این کار، ضماد کشیدن بر محل سرطان برای نرم‌کردن آن موضع سفارش شده است. ضمادکردن محل باعث می‌شود تا آن موضع برای استفراغ بعدی آماده بماند (۴)، حتی اگر برای جلوگیری از گسترش سرطان نیاز به بریدن عضو شد، باز هم باید از استفراغ استفاده کرد. در واقع باید با استفراغ سودا را از بدن خارج کرد تا بدن از این ماده پاک شود، چراکه بریدن به تنهایی سموم موجود در بدن را از بین نخواهد برد (۴). بدین صورت مهم‌ترین راه درمان سرطان که در طول روش‌های دیگر درمان این بیماری استفاده می‌شود، استفراغ دادن بدن است.

۵-۳- احتقان: احتقان برگرفته از ریشه حقن است.

«احتقنه احتقانا؛ بازداشت آن را و نگاه داشت.» «احتقن المریض؛ اماله کرد آن بیمار را و رسانید دوا را به باطن آن به اماله.» «احتقن المریض؛ حبس شد بول آن بیمار.» «احتقنت الروضة؛ مشرف شد اطراف آن باغ بر میان آن - مأخوذ از تازی -» حقنه و اماله. در اصطلاح طب، احتقان‌کردن، داخل‌کردن دارویی در بدن خواه از راه طبیعی مانند راه مقعد و مجرای بول و مجرای رحم و یا از راه غیر طبیعی مانند راه تحت جلدی (۱۱). در فرق میان احتقان و استفراغ گفته‌اند که «اما معنی احتقان آن بود که چیزی آمدنی اندر تن بماند و نیاید و معنی استفراغ آن بود که چیزی ناآمدنی بیاید» (۱۴).

در این روش برای دفع سرطان داروی تجویز شده را با احتقان وارد بدن می‌کنند. برای هر بیماری و سرطانی داروهای متفاوتی باید حقنه شود. به طور مثال برای بندآوردن خون و تسکین‌دادن درد سرطان، قرصی متشکل از قلقطار، افاقیا و

کندر درست کرده، مقداری از آن را با گل ارمنی و صمغ عربی و کهربا (سنگی شبیه یاقوت) به هم آمیخته و به وسیله آن بیمار را چندین بار در روز حقه می‌کنند (۴) یا این‌که اگر بیماری واژن را فرا بگیرد که از آن چرک خونابه روان گردد، باید بررسی کرد که اگر این چرک از جایی دورتر می‌آید، باید با تنقیه عسل و آب یا شیاف درمان شود. اگر این مواد بدبو و آزاردهنده باشند، باید تنقیه را تند کرد، مگر آنکه این تراوش با درد و سوزش همراه باشد که باید از داروی تند دست کشید و با ریزه‌های سرب و مرهم سفیداب تنقیه را ادامه داد (۱۵). نیز برای زخم و سرطان روده‌ها نیز نوعی دیگر از تنقیه در کتب پزشکی تمدن اسلامی آورده شده است (۱۶).

۶-۳- علاج با داروها: پس از آنکه راه‌های اولیه و در عین حال مهم علاج سرطان به کار برده شد، ولی بهبودی در روند سرطان حاصل نگردید، روش بعدی برای درمان، استفاده از انواع داروهای متناسب با سرطان است. درست است که برای به کارگیری روش‌های گذشته از جمله پیشگیری یا استفراغ‌دادن و احتقان، از داروها استفاده می‌شود، اما استعمال دارو در این روش‌ها در طول آنست و جزء لاینفک آن روش محسوب نمی‌گردد، بلکه روشی مستقل است که به نحوی توسط روش‌های دیگر استفاده می‌شود. به طور مثال اگر بخواهیم از روش استفراغ برای درمان سرطان استفاده کنیم، یکی از راه‌های کاربرد این روش استفاده از داروهاست.

در این مرحله به وسیله داروها و مرهم‌ها، می‌توان از سرطان جلوگیری نمود و این زمانی است که به نظر می‌رسد سرطان محکم نشده باشد. برای ممانعت از بدترشدن آن چندین دارو تجویز شده است، همچون توتیای شسته‌شده خصوصاً که با روغن گل مرهمی درست کرده و طلی (چرب) کنند. اگر این کار را زود انجام دهند، امید است ماده غلیظ سرطانی را به کلی رفع کنند. همچنین حلاله آسیاب‌شده را با سنگ آسیاب نرم کرده، با آب کاسنی و با آب گشنیز تر و عصاره زغال سنگ ساییده و نوشیدنی درست کنند. استفاده از این دارو باعث می‌شود تا سرطان گسترش نیافته و از تکثیر آن ممانعت به عمل آید (۳). بنابراین با تشخیص درست سرطان

توسط پزشک، روش جلوگیری نیز برای زیادنشدن و در نهایت بهبودی سرطان بسیار راه‌گشا خواهد بود.

هدف اصلی استفاده از داروها، بهبودی سرطان و به اصطلاح جلوگیری از ریش‌شدن و بدخیم‌گشتن آنست، چراکه قریب به اتفاق پزشکان اسلامی معتقدند که اگر سرطان زیاد و بزرگ و به اصطلاح بدخیم شود، دارو نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، مگر آنکه از بدترشدن جلوگیری نماید (۸، ۱۷). این جمله جرجانی حرف همه این دانشمندان است «سرطان را به هیچ وقت نشاید جنبانید نه دارو بدو شاید برد و نشاید برید و جز پرهیز و فصد و تن از ماده سودا پاک‌کردن مشغول نشاید بود» (۱).

باید دانست که چه دارویی، چه زمانی و برای چه نوع سرطانی به کار رود. این امر مشکل جز با تجربه‌اندوزی و صرف عمر توسط پزشکان تمدن اسلامی به دست نیامده است. این دانشمندان با زحمات زیاد به داروهایی در روند درمان سرطان رسیده‌اند که جان آدمیان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اینان داروهای قابل استفاده برای سرطان را بر اساس کاربردی که از آن‌ها متصورند، به چهار قسم تقسیم می‌کنند: به گمان آن‌ها برخی داروها برای از بین‌بردن سرطان قابل استفاده است و می‌توان آن را برای ابطال سرطان به کار برد، اما اذعان می‌نمایند که بهبودی از سرطان دشوار است. بعضی از داروها مانع از زیادی سرطان می‌شوند. بعضی مانع ریش یا بدخیم شدن گشته و برخی در علاج سرطان بدخیم و متفرق به کار می‌روند. این سینا که خود مبدع این تقسیم است برای هر کدام از این موارد داروهایی را برشمرده و حتی خصوصیت هر کدام را برمی‌شمارد. او یادآور می‌شود که برای از بین‌رفتن سرطان نباید داروهای بسیار قوی استفاده شود - چنانکه برخی گمان می‌کنند، چون سرطان بیماری خطرناکی است، پس باید داروهای قوی هم برای رفع آن استفاده نمود - در غیر این صورت باعث زیادنشدن سرطان می‌گردد. توتیای مغسولی که با روغن‌ها همچون روغن گل مخلوط شده باشد، بسیار مناسب است. برای زیادنشدن سرطان هم داروهایی که باعث اصلاح تغذیه و قوی‌کردن جسم‌اند، مفید هستند، برای این کار بر روی موضع، داروی مالیدنی قرار می‌دهند. برای منع

این روش‌ها و اهتمام پزشکان به استفاده از آن‌ها، لازم است یک به یک این علاجه‌ها مورد بررسی قرار گیرند.

۱-۷-۳- کی: کی (Kayy) به معنی علامت و نشان سوختگی در پوست و داغ. «آخر الدواء الکی؛ آخرین دوا داغ است.» کواه کیا (از باب ضرب): داغ کرد آن را با آهن تافته و جز آن. «کواه بعینه؛ تیز نگرست به سوی آن.» «کوته العقر؛ گزید آن را کزدم» (۱۱). بنابراین واژه «کی» به معنای داغ‌زدن عضو است و از باب این که «کی» با ابزاری خاص و توسط فرد با تجربه انجام می‌شود و باعث انجام عملیات درمانی روی اعضا و پوست بدن می‌گردد. این شیوه از جراحی‌های مرسوم به شمار می‌آمده است.

کی فقط وقتی قابل استفاده است که امکان استفاده از این شیوه جراحی وجود داشته باشد. در واقع اگر سرطان ظاهر نباشد، بلکه در باطن و اعضای درونی بدن رشد کرده باشد، به وسیله سوزاندن قابل مداوا نیست. چیزی را می‌توان کی نمود که قابل رؤیت باشد، چنانکه داخل دهان، معده و مانند آن جزء باطن بدن محسوب می‌گردند. در میان پزشکان قرون سوم تا ششم قمری کسی پیدا نشده است که با سوزاندن سرطان باطنی، آن را از بین برده باشد، مگر آنکه کار او باعث تهییج سرطان و هلاکت بیمار گشته است. این نظریه برخاسته از مشاهدات عینی و تجربیات بسیار بوده است. «اعلم أن عمل الید الذی یکون فی اللحم منه القطع و منه البط و منه الکی، و العلل الی تستعمل فیها هذه الثلاثة منها ما یعرض فی سائر أعضاء البدن الی مثال واحد» (۱۹).

ابزار داغ‌کردن اشکال گوناگونی داشت که زهراوی بسیاری از آن‌ها را یاد کرده است، مانند داغه‌های زیتونی، میخی، عدسی، کاردی، هلالی، دایره‌ای و... که هر کدام به تشخیص پزشک و با توجه به شرایط بیمار استفاده می‌شد. اصلی‌ترین شرط استفاده از این ابزارها توجه به سن و کوچک یا بزرگی بیمار بود. برخی از مهم‌ترین ابزارهای کی به شرح زیراند:

- داغه: ابزاری مانند کاویای هلالی که از این ابزار برای گذاشتن داغ بر پلک‌های آویزان یا برای داغ‌نهادن بر بالای دو ابرو استفاده می‌شده است.

از ریش‌شدن و بدخیم‌گشتن نیز داروی ترکیبی که در آن گل مختوم، گل ارمنی، روغن، لعاب دانه خشخاش و لعاب سرخ وجود دارد، قابل استفاده است (۱۳).

در بین داروها، آنچه باعث تولید خون جدید و همچنین باعث اعتدال بدن می‌شود، بسیار اهمیت دارند، چون این داروها مسهل و نرم‌کننده‌اند (۱۷). استفاده از این داروها در روند جلوگیری و یا بهبود سرطان بسیار مفید خواهد بود. باید توجه داشت که اکثر داروهای نام‌برده‌شده در آثار طب تمدن اسلامی ترکیبی هستند و به ندرت داروی مفرد را برای درمان نام ببرند.

داروی دیگری که در روند درمان سرطان نام برده شده، ترکیبی است از مرهم باسلیقون (۱۸)، مرهم دباخلیون، خمیر مایه ترش، انگبین، روغن سوسن و پیه مرغابی را به طور مساوی برداشته، روی آتش بگذارد، سپس در پشم پاکی بگذارد و در زهدان بگذارد. اگر وضع بیمار بدتر شد، باید از مرهم کافور استفاده کرد و نیز روغن خیری و روغن بابونه و پیه مرغابی و پیه پرندگان در علاج به کار برد (۱۴). بدین ترتیب داروها برای درمان سرطان مفیداند، اما باید در استعمال آن با حساسیت تمام عمل کرد تا بیماری بدتر نگردد.

۷-۳- انواع جراحی: جراحی (Jarrahy) - مأخوذ از تازی - صنعتی است که غرض از آن مداوا کردن ریش‌ها و زخم‌ها و جراحات‌ها و قرحه‌ها و هر تفرق اتصالی که در بدن آدمی عارض شود، می‌باشد، یعنی هر اختلالی که محتاج به مباشرت دست و عمل ید بوده باشد (۱۱). پس از آنکه داروها افافه نکرد - که این نشان از شدت گرفتن سرطان و بدخیم بودن آن است - دیگر راهی جز به کاربردن جراحی برای جلوگیری و درمان سرطان نیست. در کتب پزشکی تمدن اسلامی با سه نوع جراحی برخورد می‌کنیم: کی، فصد و بریدن. این جراحی‌ها نیز به طور حتم با توجه به شرایط بیمار و میزان پیشرفت سرطان در عضوی خاص از بدن به کار می‌روند و در واقع زمانی از این روش‌ها استفاده می‌شود که سرطان بدخیم باشد یا به بدخیمی گراییده باشد. هر کدام از این جراحی‌ها مرحله به مرحله قابل انجام‌اند. به جهت اهمیت

- انارک (بخارساز جهاز): این ابزار را از نقره یا مس می‌ساختند. یک طرف آن دریچه‌ای تو گوداست به شکل لوله و طرف دوم به شکل انار و توخالی است، مقداری بخور در آن ریخته می‌شود، سپس به آرامی در دهان فرو برده می‌شود، بخار مواد بخور داخل جهان از لوله آن متصاعد می‌شود و بخارش بر روی زبان کوچک قرار می‌گیرد تا با بخار کمپرس شود، این کار به خاطر از بین بردن احتقان یا تراکم خون در رگ‌ها یا رفع تورم آن است.

برخی از ابزار جراحی هم برای بریدن ساخته شده بودند، مانند قیچی که از انواع کاردهایی است که دارای دو لبه تیز و برنده است یا اره‌های بریدن و قطع استخوان که نوع این اره‌ها متناسب با وضعیت استخوان و ضخامت یا باریکی، کوچکی و بزرگی، صلابت و پوکی آن متفاوت می‌باشد.

توصیه پزشکان تمدن اسلامی در استفاده از روش داغ کردن این بوده است که با یک شیء شبیه میله آهنی دایره‌ای شکل، اطراف موضعی که سرطان گرفته است را به صورت دایره گردمانند داغ نمایند. نباید داغ کردن به صورت عمیق باشد، در غیر این صورت باعث متفرح و بدخیم شدن سرطان می‌گردد (۸).

۲-۷-۳- فصد: فصد (Fasd) - مأخوذ از تازی - رگ‌زدگی و گشودگی رگ و رگ‌زنی. فصد کردن: رگ‌زدن و خون گرفتن. فصد کردن کسی: رگ‌زدن کسی و خون گرفتن از کسی است (۱۱).

به اذعان دانشمندان مسلمان وقتی سرطان سخت و بدخیم باشد، درمان آن نیز طبیعتاً دشوار است. این نوع سرطان را نمی‌شود به هیچ وجه تحریک کرده و از جای خود حرکت داد تا از بدن خارج شود، بلکه تنها راه برای جلوگیری و درمان این نوع سرطان، پرهیز غذایی و فصد کردن بدن است تا ماده سودایی از جسم خارج شود (۲). با رگ‌زدن و حجامت بدن، این مواد سمی که در رگ‌های خونی وجود دارند، بیرون می‌آید و روند درمان و بهبودی سرطان را بسیار تسهیل می‌نماید.

زمان استفاده از فصد، همان ابتدای تشخیص سرطان است، هرچند اکثر پزشکان دیر متوجه سرطان می‌شوند. به

جهت این‌که سرطان از انصباب خون سودایی در عضوی از بدن شکل می‌گیرد. بنابراین به محض تشخیص سرطان، برای پیشگیری، آن را با فصد می‌توان استفرغ داد، اما مهم در این روش آن است که فصد را باید ادامه داد تا دوباره این خلط بازنگردد و در کنار آن بدن را باید تقویت نمود. تمام هدف اولیه در فصد کردن به قطع کردن ریشه‌ای و اصولی خون سودایی از رگ‌های برآمده و مملو خلاصه می‌شود (۱). پس از هر بار رگ‌زدن یا حجامت نباید موضع به حال خود وا گذاشت، بلکه باید داروهای مسهل، آب انگور یا مرهم توتیا بر روی محل فصد شده قرار دهند (۲۰). به طور نمونه جرجانی درباره سرطان سینه گفته است: «هرگاه که سر پستان درد خیزد، نخست رگ باید زد و صندل و افاقیا طلی کردن تا به سرطان بازنگردد» (۱).

سه شرط اساسی برای فصد باید حتماً مورد توجه قرار گیرد: نخست آنکه باید شرایط بیمار در نظر گرفته شود، توانایی بیمار و این‌که آیا تحمل فصد و خون‌گیری را دارد؟ اگر تحمل داشت باز هم با توجه به شرایط سنی بیمار و میزان قدرت جسمی‌اش از رگ او خون گرفته می‌شود؛ دو دیگر این‌که باید به کیفیت خون توجه کرد، یعنی اگر خون بسیار سیاه می‌نماید، باید خون زیادی از بیمار خارج کرد و در کنار آن از مواد غذایی، ضمادها، شیاف که همه مناسب باشند، برای تسهیل بدن به کار گرفته شود (۱۹)، اگر متوجه غلظت بسیار خون و یا لزج بودن خلطی شوند که نمی‌توان خون را به یک بار خارج کرد، باید خون را به دفعاتی بگیرند (۲۱)؛ سه دیگر این‌که در رگ‌زدن باید دقت کرد، چون خون از باسلیق - مأخوذ از یونانی به معنای شاهرگی در دست - گرفته می‌شود، لذا باید این کار با دقت فراوان و به طور یکنواخت و صحیح انجام گیرد. انجام این کار با رفق و نرمی، اصل اساسی در استفاده از این روش جراحی است. بنابراین در آثار پزشکی اسلامی فصد روشی جراحی برای خارج کردن مواد سرطانی از بدن معرفی گردیده و توجه ویژه‌ای در استفاده از آن شده است.

۳-۷-۳- بریدن: آخرین و نهایی‌ترین روش درمان سرطان که سومین روش جراحی نیز محسوب می‌گردد، قطع یا بریدن

آهن سرطان را برید که مطمئن باشیم عضو سرطان به تمامه از بین می‌رود» (۸).

بدین‌صورت درمی‌یابیم که دانشمندان مسلمان نتوانسته‌اند برای سرطان باطنی راه درمانی از طریق جراحی پیدا کنند و بر مشکل‌بودن این بیماری اذعان نموده و در نهایت پیشنهادی که می‌دهند این است که از روش بریدن استفاده نشود (۱۴) و صرفاً سفارش به استفاده از دارو دارند تا بیمار زمان بیشتری زنده بماند (۱۰) و به نحوی معتقدند که بیمار باید با سرطان‌ش مدارا کند. خطراتی که روش قطع در پی دارد، باعث شده تا پزشکان تمدن اسلامی در استفاده از این روش بسیار احتیاط کنند، خونریزی شدید به ویژه اگر عضو قطع شده، دارای رگ‌های بزرگ و زیاد باشد، درد فراوان و نیز به خطراتدان عضو همجوار خصوصاً که آن عضو مهم و حیاتی باشد، از جمله خطرات این جراحی است. علاوه بر این سه مورد باید خطای پزشکی را نیز از جمله خطرهای این نوع جراحی به شمار آورد، مثلاً پزشکی تشخیص داده است که سرطان بدخیم و باطنی در یکی از پستان‌های زن به وجود آمده و آن را بریده و سپس مشخص گشته که سرطان از پستان دیگر خارج می‌شود. به خاطر همین خطرات است که گفته‌اند: «در سرطان ظاهری، زمانی قطع کارساز است که شریان‌های مهم و رگ‌های قوی کنار عضو سرطانی نباشند» (۴). نکته‌ای که در پزشکی تمدن اسلامی بدان توجه شده است، رضایت‌گرفتن از بیمار برای قطع‌کردن عضوی از بدن است، خصوصاً این‌که پزشکان مسلمان اجازه قطع را نمی‌دادند و حتی از آن نهی می‌کردند (۴).

در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که قطع عضو زمانی کارساز است که نخست سرطان در عضو ظاهر باشد و دو دیگر این‌که اعضا و شریان‌های اطراف را تهدید نکنند، هرچند در این مورد نیز باید دقت کرد. پس از آن نیز باید داروهایی بر موضع گذاشته شود تا هم زخم‌ها بهبود یابند و نیز مابقی مواد سودایی بدن از بین برود. برای این مورد پاشیدن لعاب گردو بسیار مفید است. اگر سرطان باطنی و در عمق عضوی باشد که نشانه‌هایش ظاهر نباشد، به هیچ وجه نباید از جراحی

است. پس از آنکه روش‌هایی همچون جلوگیری، استعمال دارو و جراحی در روند بهبودی سرطان افاقه نکرد و سرطان نیز بسیار پیشرفت نمود، به طوری که چنان بزرگ شد که نمی‌توان جلوی آن را گرفت، نوبت استفاده از دیگر جراحی یعنی بریدن می‌رسد. پزشکان اسلامی قرن سوم تا ششم قمری معتقدند، برای رهنابیدن بیمار از چنین مرضی باید عضو سرطانی را از ریشه قطع نمود و چاره‌ای جز این وجود ندارد (۲). همچنین پس از قطع، حتماً موضع زخم‌ها به وسیله مرهم‌ها و داروها مداوا شود تا هم مواد سرطانی به کلی رفع شوند و هم موضع بهبود یابد (۱۹).

این روش به راحتی انجام نمی‌شد، بلکه پزشک باید با تأمل بسیار دست به جراحی بریدن بزند. باید این نکته را مد نظر داشت که در بررسی آثار اسلامی تأکید شده است که روش قطع فقط در زمانی به کار می‌رود که سرطان از نوع ظاهر باشد و سرطان باطن با بریدن، علاج نمی‌گردد. زکریای رازی می‌گوید: «حتی بسیاری از اطبا از بریدن عروق سرطان ظاهر نهی کرده‌اند و فقط زمانی آن را جایز می‌دانند که بیمار از زخم و ریش در آزار بوده و آن زخم هم امکان قطع‌اش باشد» (۴).

بسیاری از پزشکان سده‌های سوم تا ششم قمری به تأسی از گذشتگان معتقدند، سرطان باطنی را نمی‌توان با قطع معالجه نمود و بریدن باعث تهییج سرطان گشته و هلاکت بیمار را تسریع می‌بخشد. به نظر می‌رسد چیزی را می‌توان برید که دیده شود و حال آنکه سرطانی که در عمق عضوی از بدن که مانند داخل دهان یا مقعد قرار دارد و هیچ نشانه ظاهری از خود بروز نداده، چطور می‌توان برید؟ نهایت آنکه با قطع عضو سالم و ایجاد رنج فراوان برای بیمار او را از شدت درد به هلاکت رساند. به همین خاطر است که رازی می‌گوید: «من دیده‌ام که گروهی عضوی از بدن که سرطان در باطن و نهان آن بود، مانند مقعد را داغ زده و می‌بریدند و پس از آن کسی نمی‌توانست از خونریزی جلوگیری کند و زخم را بهبود دهد و بیمار با عذاب‌کشیدن فراوان می‌مرد» (۴). زهراوی نیز عیناً همین نظر را دارد و اضافه می‌کند که «زمانی می‌توان با

بریدن استفاده نمود. فقط می‌توان در صورت بدخیم‌بودن، چرک و زردآب‌های آن را شستشو نمود.

نتیجه‌گیری

پزشکان مسلمان در شناخت و مداوای بیماری سرطان به پیشرفت‌های خاصی دست یافتند. آنان در جهت بهبود بیماری اقدام به دسته‌بندی مراحل مختلف بیماری نموده و بسته به نوع بیماری هر یک از انواع سرطان را در هر مرحله‌ای به صورت مجزا توضیح داده و مداوای خاص آن مرحله را بیان نموده‌اند. دقت در دسته‌بندی انواع سرطان اهمیت بسیاری برای مداوای بیماری داشت که این امر توسط پزشکان به با نهایت توجه و به خوبی انجام می‌شده است.

در این خصوص پزشکان مسلمان به اولویت‌بندی روش‌های درمانی پرداخته و حتی در مواردی بین سرطان‌ها و تومورها و حالات بیماران خود تفاوت قائل شده‌اند. مهم‌ترین نتیجه دستیابی به روش‌های درمان سرطان، استفاده در جهت مداوا و به کارگیری انواع مختلف داروها بود. نوع مداوا و داروهای مورد استفاده بر اساس نوع سرطان، برای هر کدام متفاوت است. در پزشکی اسلامی، داروهای درمانی بر اساس روش‌های درمانی آن استفاده می‌شده است.

تا آنجا که بررسی شد، بسیاری از دستاوردهای پزشکان مسلمان برای نخستین‌بار عرضه می‌شد و پیش از پزشکان مسلمان چنین نظراتی مطرح نشده بود. شیوه‌های درمانی متناسب با شرایط بیمار توسط پزشکان مسلمان اعمال می‌شد. استفاده از ابزار پزشکی در درمان که برخی از آن‌ها اختراع خود پزشک معالج بود، یکی دیگر از دستاوردهای آن‌ها به شمار می‌آید. برشمردن انواع داروها و روش‌های متنوع درمان در روند معالجه این بیماری در آثار کهن پزشکی که امروزه نیز شناخته شده‌اند، از عمق شناخت پزشکان نسبت به سرطان گواهی می‌دهد. برخی از روش‌های مداوای پزشکی امروز، همانند بریدن و قطع عضو سرطانی، ادامه همان شیوه کهن ایرانی - اسلامی است، اما با ابزارها و لوازم جدید و خاص.

References

- Gorgani E. Zakhireye Khwarazmshahi. Qom: Institute for Natural Resuscitation; 1391. Vol.1 p.46, 276, 333, 510.
- Gorgani E. Al-Iqraz al-Tebbieh and al-Mabahis al-Alaieh. Tehran: Iranian Culture Foundation; 1345. Vol.1 p.343, 359, 556-557.
- A Group of Writers. Ganjine-ye baharestan. Tehran: Library Museum and Document Center of Iran Parliament; 1386. Vol.1 p.137.
- Ibn Zakariya Razi M. Al-Hawi fi al-Tibb. Beirut: Dar ihya al-Turath al-Arabi; 1422. Vol.1 p.8-12, 15, 41, 130, 150, 285, 417.
- Ibn Isa Kahhal A. Tazkerat al-Khalin. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 1387. Vol.1 p.245.
- Ibn Qurra E. Al-Zaqirah fi ilm al-Tibb. Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiyah; 1419. Vol.1 p.4.
- Ibn Zakariya Razi M. Taqasim al-Ilal. Aleppo: Mansoor Game Hallad-Maahad al-Touras; 1412. Vol.1 p.850.
- Ibn Zahrawi K. Al-Jaraha. Riyadh: Matabeq al-Farazdaq al-Tjarya; 1422. Vol.3 p.52, 41, 145, 270.
- Azdi A. Kitab al-Maa. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1387. Vol.1 p.57.
- Ibn Hubet Allah S. Al-Mughni fi al-Tibb. Beirut: Dar al-Nefas; 1419. Vol.1 p.81, 221.
- Nafisi M. Nafisi culture. Tehran: Almaee; 1391. Vol.1 p.109, 225, 1079, 2567, 2870.
- Gorgani E. Tib Yadegar. Tehran: University of Tehran-Islamic Studies Institute; 1381. Vol.1 p.183.
- Ibn Sina H. The Canon of Medicine. Beirut: Dari Ehya al-Tatar al-Arabi; 1426. Vol.1 p.191, 251.
- Ibn Ahmad al-Akhawyni R. Hidayat al-Muta`allemin fi al-Tibb. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad; 1371. Vol.2 p.179, 537, 606.
- Ibn Zakariya Razi M. Mansoori fi al-Tib. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1387. Vol.1 p.500.
- Ibn Sahl Rabban al-Tabari A. Firdous al-Hikmah. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 1423. Vol.1 p.180.
- Galenus. The collection if the eight book of galenus medicine. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1387. Vol.1 p.504.
- Aghili Alawi Shirazi M. Kolkata: Collection of Drugs (Matera Medica); 1260. Vol.3 p.365.
- Ibn al-'Abbas al-Majusi A. Kitab al-Maliki or Complete Book of the Medical Art. Qom: Jalal ad-Din; 1387. Vol.1 p.229, 235, 439.
- Kashkari Y. Kanush fi al-Tibb. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1386. Vol.1 p.542.
- Ibn Sina H. Koliyat al-Qanun ibn Sina. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1386. Vol.1 p.223.